



ketabTala

به نام
خدا



میرشایسته مهاجرانی، سیدمحمد - ۱۳۳۸ -

عنوان و نام پدیدآور: غسل مثل به قصه / نویسنده سیدمحمد مهاجرانی / تصویرگر مهدی صادقی

مشخصات نشر: قزوین: نشر جمال، ۱۳۹۰

مشخصات فقهاری: ۹۶ ص: مصور (رنگی)

شابک: ۹۷۸-۹۶۳-۳۳۹-۳

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یازدهم: گروه سنی: همه

موضوع: داستان‌های کوتاه فارسی

موضوع: Short stories, Persian

موضوع: ضرب‌المثل‌های ایرانی -- داستان

موضوع: Proverbs, Iranian (Direct) -- Fiction

شناسه فرود: صادقی، مهدی، ۱۳۹۰ - شهرزور، تصویرگر

رده بندی دیویی: ۳۰۴

شماره کتابشناسی ملی: A57V67



غسل مثل به قصه

نویسنده: سید محمد مهاجرانی

ویراستار: علیرضا سبحانی نسب

تصویرگر: مهدی صادقی

گرافیکست: محی‌الدین میرزایی

مدیر فنی چاپ: محمدعلی فرجادی

شمارگان: ۲۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: ششم / آبان ماه ۱۳۰۱

چاپ: خاتم الانبیاء

صحافی: همت

قیمت: ۳۹۰۰۰ تومان



نشر جمال
Jamal Publication

دفتر قزوین: ۰۲۵-۳۱۶۵۳

دفتر تهران: ۰۲۱-۶۶۴۸۷۱۱۸

پخش: پانوق کتاب ۰۲۵-۳۱۰۷۷

تمامی حقوق این اثر برای نشر جمال محفوظ است.
هرگونه بهره‌برداری از این اثر، به اجازه ناشر نیاز دارد.

عَسَل
مِثْل
بِهِ قِصَّه



نویسنده: سید محمد مهاجرانی
تصویرگر: مهدی صادقی



بسم الله الرحمن الرحيم

یادش بخیر! وقتی کودکی هفت هشت ساله بودم: کتابی در خانه داشتیم به نام «داستان‌های مثل‌ها»
هر داستان، درباره‌ی این بود که یک ضرب‌المثل چه جوری به وجود آمده است.

کبکش خروس می‌خواند!

دوستی خاله خرسه!

بادمجان بم آفت ندارد

در شب‌های سرد زمستان، زیر کرسی گرم، کنار مادر بزرگ می‌نشستم.
اول داستان را من می‌خواندم. بقیه‌اش را او از حفظ می‌گفت!
ضرب‌المثل‌ها، هم داستان‌شان شیرین بود هم خودشان!
ضرب‌المثل‌ها چهارویژگی جالب دارند: کوتاه، روان، جذاب و پرمغز!
و به خاطر همین است که از صدها و شاید هزاران سال پیش تاکنون ماندگار شده‌اند.

چهل و چهار سال بعد از آن روزهای شیرین کودکی، نمی‌دانم چی شد که به دلم افتاد باز سری به شهر ضرب‌المثل‌ها بزنم و برای‌شان داستان بنویسم. اول کمی دودل شدم و نزدیک بود بی‌خیال شوم که یکپهو به خودم گفتم:

ای بابا! حالا که تو هم وقت داری و هم علاقه. شکر خدا سلامتی هم که برقرار است.

پس دست به قلم شو و به قول معروف «تا تنور داغ است، نان را بچسبان.»

بسم الله گفتم و کار را شروع کردم: ولی دیدم اووووووه! چند هزار ضرب‌المثل داریم! به خودم گفتم:



«چه طوری؟ و تا کی؟» برای این همه مَثَل، می‌خواهی داستان بنویسی؟
با کمی فکر و یک لبخند به خودم جواب دادم: معلوم است که نمی‌توانی؟
ولی خُب به قول معروف:

«آب دریا را اگر نتوان کشید، هم به قدر تشنگی باید چشید.»

چهل و چهار ضرب‌المثل انتخاب کردم و برای هر کدام داستانی نوشتم. و بعد تصمیم گرفتم نوشته‌هایم را به دوستان عزیزم، آقای «حیدری ابهری» و آقای «سبحانی‌نسب» نشان بدهم و از آنان مشورت بخواهم: زیرا به قول معروف **«سه کَلَه بهتر از یک کَلَه است.»**

آقای حیدری ابهری سال‌ها با ضرب‌المثل‌ها زندگی کرده و چند کتاب ضرب‌المثل دارد. آقای سبحانی هم سال‌هاست کارشناس کتاب کودک است و کلی کتاب کودک و شعرو قصه خوانده و ارزیابی کرده است.

به لطف خدا و با هم‌فکری دوستان، داستان‌ها تمام شد. آقای «صادقی» هم با تصویرهای تماشایی‌شان به کتاب صفا دادند.

و آقای «میرزایی» هم با صفحه‌آرایی ابتکاری و مدیریت هنرمندانه‌شان، کار را تمام کردند و خیال ما را راحت!

«کار را که کرد؟ آن که تمام کرد!»

امیدوارم این **«آشی که دسته‌جمعی برای تان بخته‌ایم.»** دل‌چسب و خاطره‌انگیز باشد!

دوست همیشگی شما
سید محمد مهاجرانی



یقتهی خرتومی!

سقمیه خیلی نگران بود. به مادرش گفت: مامان! زود باش. دیر شد. نمی‌رسیم!
الآن جشن تولد تمام می‌شود! همه‌ی کیک‌ها را می‌خورند و به ما چیزی نمی‌رسد. گفته باشم!
مادرش که داشت با آرامش خانه را جارو می‌زد گفت: چرا بی‌خودی عجله می‌کنی؟ ما که وقت داریم!





شما لباس‌هایت را بپوش. من هم زود آماده می‌شوم.
سمتیه تند تند جوراب و شلوارش را پوشید.
وقتی می‌خواست بلوزش را بپوشد: کلاهش گیر کرد!
داد زد: وای! خفه شدم! چه یقه‌ی درازی! مثل خرطوم فیله!
مادرش آمد کنارش و گفت: عزیزم! چقدر عجله می‌کنی؟
این آستین است نه یقه!
سمتیه زودی سرش را از آستین بیرون آورد و بلوزش را
پوشید. حسابی عرق کرده و صورتش سرخ شده بود.
مادرش خندید و گفت:
آدم دستپاچه، دو پایش را می‌کند توی یک پاچه.
سمتیه گفت: من که داشتم بلوز می‌پوشیدم، شلوار که
نبود.
مادرش گفت: این یک ضرب‌المثل است! یعنی آدم عجول،
کارهایش را درست انجام نمی‌دهد.



**این مثل که شیرین است
استفاده‌اش این است:**

جایی به کار می‌برند که کسی با
عجله، کاری را انجام دهد و به خاطر
شتاب بی‌جا، آن کار را خراب کند.



همدی «ضرب‌المثل‌ها شیرین‌اند، مثل کند!»
و گاهی از کند و نیات و شکر که هیچ! از اصل هم، شیرین‌تر!
شاید به خاطر همین شیرینی و دل‌نشینی‌شان است که
سال‌هاست به کار می‌روند.

و کُمر بلندی دارید، عمر صد ساله و نویست ساله، تا
عمر هزار ساله!

راستی چرا؟ خوب معلوم است، چون هر ضرب‌المثل،

«نکته‌ای نابلی و عمیق» و «کلید طلایی موفقیت» است.

ما هم با توجه به همین نکته، از میان «۱۰۰۰ ضرب‌المثل» سرچشم
غریزه‌مان، «چهل و چهار» ضرب‌المثل را برای‌تان انتخاب کرده‌ایم.

۴۴ «مثل گسلی» شیرین و دل‌چسب!

بفرمایید، نوش جان!



دکتر قزو ۳۱۶۵۳-۰۲۵
دکتر تهران ۹۲۱-۹۹۴۷۷۱۸



9 789642 023493



مکتب‌خانه
Maktabkhaneh.com